## جلسه 90-442

**چهار‌شنبه - 06/01/۹9**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث در لزوم فاصله میان زن و مرد در نماز بود که عرض کردیم مقتضای صناعت لزوم رعایت فاصله است. تنها باید ببینیم که آیا فاصله باید بیش از ده ذراع یعنی چهار متر و نیم باشد یا همان‌طور که مرحوم آقای خوئی فرمودند رعایت فاصله به مقدار یک وجب کافی است. و این‌که مشهور متاخرین قائل شدند به عدم لزوم فاصله ما آن را نپذیرفتیم.

## مشخص نیست که شهید صدر چرا قائل به لزوم فاصله بین مرد و زن نمازگزار نشده است با این‌که ایشان علی القاعدة ادله قول به کراهت فاصله را قبول ندارند

تنها مطلبی که برای ما مبهم است این است که کسانی مثل مرحوم آقای صدر چه در کتاب الفتاوی الواضحة‌ صفحه 471 چه در تعلیقه منهاج الصالحین جلد 1 صفحه 198 موافقت کردند با نظر مشهور متاخرین و قائل شدند به عدم لزوم رعایت فاصله بین زن و مرد. و همین‌طور برخی از تلامذه ایشان در منهاج الصالحین. با این‌که این وجوهی که ما برای قول به جواز گفتیم عادتا مورد قبول ایشان نیست.

مثلا این‌که اختلاف تحدید در روایات علامت استحبابی بودن حکم قرار بگیرد که برخی مثل محقق همدانی و مرحوم آقای داماد مطرح کردند، طبعا مورد قبول آقای صدر نیست. خود ایشان در منهاج جلد 1 صفحه 83 فتوی دادند به این‌که زنی که ایام عادتش می‌‌گذرد ولی هنوز خون دیدنش ادامه دارد ممکن است از ده روز تجاوز بکند، ‌یک روز استظهار بر او واجب است با این‌که همین بیان مشهور همآن‌جا هم می‌آید که روایات استظهار اختلاف دارد: بعضی می‌‌گویند تستظهر بیوم، بعضی می‌‌گویند تستظهر بیوم أو یومین، بعضی می‌‌گویند تستظهر بثلاثة ایام، بعضی می‌‌گویند تستظهر الی تمام العشرة. همان‌طور که ایشان مبنای‌شان است و درست هم است اقل، واجب است، دلیل نداریم از او رفع ید کنیم، مازادش می‌‌شود مستحب یا جایز. در این‌جا هم برخی از روایات فرمودند فاصله یک وجب باشد، برخی از روایات فرمودند فاصله بیشتر از ده ذراع باشد، می‌‌گوییم یک وجب لازم است، مازادش مستحب است.

بله، ایشان اعراض مشهور را از سند یک خبر ظنی السند موهن می‌‌داند (این فرق را با مرحوم آقای خوئی دارد) ولی تطبیق بر مورد نمی‌کند این مبنا را. چون مشهور قدماء قائل به لزوم فاصله بودند بین زن و مرد در نماز. وانگهی این روایات استفاضه اجمالیه دارد، ‌ظنی السند نیست اجمالا.

برخی دیگر از تلامذه مرحوم آقای صدر در تعلیقه الفتاوی الواضحة احتیاط واجب کردند لزوم رعایت فاصله را، ‌ولی فرمودند الاحوط ان لایقل الفاصل بینهما عن ذراع الید. این را ما وجهی برایش نمی‌بینیم الا این‌که کسی بگوید در روایات که می‌‌گفت قدر عظم الذراع یعنی یک ذراع. ما عرض کردیم نخیر عظم الذراع حدودا یک وجب است.

بهرحال ما اصل لزوم فاصله بین زن و مرد را در نماز مقتضای صناعت می‌‌دانیم بر اساس این روایات. ‌فقط باید ببینم آیا طبق موثقه عمار که ظاهر در این است که باید فاصله بیش از ده ذراع باشد عمل کنیم یا مثل مرحوم آقای خوئی طبق روایاتی که ممکن است دلالت بکند بر این‌که یک وجب کافی است در رعایت فاصله به آن‌ها عمل کنیم. طبعا اگر این روایات شبر که دلالت می‌‌کند یک وجب فاصله بشود بین زن و مرد سندا و دلالتا اشکال نداشته باشد فرمایش آقای خوئی مقتضای صناعت است. و لذا روایاتی را که ایشان به آن استدلال کرده بررسی می‌‌کنیم.

## محقق خوئی: به مقتضای روایات، باید یک وجب بین مرد و زن نمازگزار فاصله باشد

ایشان به سه روایت استدلال می‌‌کند:

روایت اول: صحیحه معاویة بن وهب: اگر بین مرد و زن نمازگزار یک وجب فاصله باشد اشکال ندارد

اول روایتی است که تعبیر می‌‌کند صحیحه معاویة بن وهب که من لایحضره الفقیه جلد 1 صفحه 247 نقل می‌‌کند. سأل معاویة‌ بن وهب اباعبدالله علیه السلام عن الرجل و المرأة‌ یصلیان فی بیت واحد فقال ان کان بینهما قدر شبر صلت بحذاه وحدها و هو وحده لابأس. سؤال کرد معاویة‌ بن وهب از امام صادق علیه السلام زن و مرد ‌در یک خانه، در یک اتاق، نماز می‌‌خوانند حضرت فرمود اگر بین این دو به مقدار یک وجب فاصله باشد اشکال ندارد.

روایت دوم: روایت ضعیفه ابن مسکان: اگر بین مرد و زن نمازگزار یک وجب یا یک ذراع فاصله باشد اشکال ندارد

روایت دوم روایتی است که ابن مسکان از ابی بصیر نقل می‌‌کند. که من سؤال کردم از امام علیه السلام عن الرجل و المرأة‌ یصلیان فی بیت واحد المرأة عن یمین الرجل بحذاه (‌زن و مردی در یک اتاق نماز می‌‌خوانند زن مساوی مرد در طرف راست او قرار گرفته) حضرت فرمودند لا (یعنی لایصلیان‌، نباید اینگونه نماز بخوانند) الا ان یکون بینهما شبر او ذراع. مگر بین این دو یک شبر یا یک ذراع فاصله باشد.

مرحوم آقای خوئی فرمودند دلالت این روایت تمام است ولی سندهایش ضعیف است. چون در تهذیب جلد 2 صفحه 230 این حدیث را حسن صیقل از ابن مسکان نقل کرده. در صفحه 231 محمد بن سنان نقل کرده از عبدالله بن مسکان. هم حسن صیقل مشکل دارد چون توثیق ندارد و هم محمد بن سنان ‌که توثیقش ثابت نیست. در کافی جلد 6 صفحه 103 هم نقل می‌‌کند از سهل بن زیاد از ابن سنان (یعنی محمد بن سنان) از ابن مسکان. آن سند هم علاوه بر محمد بن سنان، سهل بن زیاد است که او هم توثیقش ثابت نیست.

روایت سوم: صحیحه زراره: اگر بین مرد و زن نمازگزار به اندازه یک قدم یا استخوان ذراع فاصله باشد اشکال ندارد

روایت سوم صحیحه زراره است که در من لایحضره الفقیه نقل می‌‌کند جلد 1 صفحه 247 عن ابی جعفر علیه السلام اذا کان بینها و بینه قدر ما یتخطی او قدر عظم الذراع فصاعدا فلابأس ان صلت بحذاه وحدها. اگر بین زن و مرد به اندازه یک قدم یا به اندازه عظم ذراع که همان مقدار شبر هست فاصله باشد اشکال ندارد که زن محاذی مرد نماز بخواند.

صحیحه محمد بن مسلم (اگر بین مرد و زن نمازگزار در یک اتاق، به مقدار یک وجب فاصله نباشد نماز باطل است) اضطراب متن دارد. ظاهرا به جای "شبر" باید "ستر" باشد

روایت چهارمی هم آقای خوئی مطرح کردند ولی فرمودند دلالش ناتمام است. و آن روایتی است که در کافی جلد 6 صفحه 104 نقل می‌‌کند به سند صحیح از محمد بن مسلم عن احدهما علیه السلام قال سألته عن الرجل یصلی فی زاویة الحجرة و امرأته أو ابنته تصلی بحذاه فی الزاویة الأخری فقال علیه السلام لاینبغی له ذلک فان کان بینهما شبر اجزأه.

علت این‌که آقای خوئی این روایت را نمی‌پذیرند این است که می‌‌فرمایند این مستبعد است که یک اتاقی باشد که مرد در یک گوشه‌اش نماز بخواند زن در گوشه دیگر محاذی مرد، ولی فاصله بین این زن و مرد کمتر از یک وجب باشد که امام بفرمایند لاینبغی له ذلک این کار نمی‌شود و جایز نیست مگر این‌که بین این‌ها یک وجب فاصله باشد. این چه اتاقی است که مرد در یک گوشه‌اش نماز می‌‌خواند زن در گوشه دیگر ولی اینقدر کوچک است که این‌ها به هم می‌‌چسبند؟! ما همچون اتاقی عادتا نداریم.

و لذا بعید نیست همان‌طور که در بعضی نسخ کافی نقل شده به جای شبر، ستر باشد. فان کان بینهما ستر اجزأه که مربوط می‌‌شود به وجود حائل و ساتر میان زن و مرد که از بحث ما خارج است. و مؤیدش این است که ابن ادریس در مستطرفات سرائر نقل می‌‌کند از نوادر بزنطی از مفضل از محمد حلبی می‌‌گوید سألته یعنی اباعبدالله علیه السلام عن الرجل یصلی فی زاویة الحجرة‌ و ابنته أو امرأته تصلی بحذاه فی الزاویة الأخری قال لاینبغی ذلک الا ان یکون بینهما ستر، ‌فان کان بینها ستر اجزأه. متن روایت شبیه هم است فقط این‌جا به جای شبر، ستر دارد. و لذا این مؤید این است که در آن روایت کافی هم ستر بوده.

این روایت محمد بن مسلم را شیخ طوسی در تهذیب نقل می‌‌کند اما با یک ذیلی. تهذیب جلد 2 صفحه 230 به اسنادش از حسین بن سعید نقل می‌‌کند از صفوان از علاء بن رزین از محمد بن مسلم عن احدهما علیهما السلام قال سألته عن الرجل یصلی فی زاویة‌ الحجرة و ابنته أو امرأته تصلی بحذاه فی الزاویة‌ الأخری قال لاینبغی ذلک فان کان بینهما شبر اجزأه یعنی اذا کان الرجل متقدما للمرأة بشبر. این جمله یعنی می‌‌خواهد ان کان بینهما شبر را این‌جور تفسیر کند که اگر مرد جلوتر از زن بایستد با فاصله یک شبر مجزی است. که از بحث ما خارج می‌‌شود چون بحث ما این است که زن و مرد مساوی هم نماز بخوانند با فاصله یک شبر یا زن جلوتر از مرد نماز بخواند با فاصله یک شبر. لکن بعید نیست که این جمله "یعنی" اضافه شیخ طوسی باشد چون در نقل کافی این نبود. و جمله یعنی هم تناسب با این دارد که تتمه کلام امام علیه السلام نباشد.

پس عمده سه روایت اول است که روایت اول سندش صحیح است، صحیحه معاویة بن وهب و همین‌طور روایت سوم است. روایت دوم سندش ضعیف است مگر کسی از تعدد اسانید مطمئن به صدور این حدیث از عبدالله بن سنان بشود. این محصل فرمایش آقای خوئی است که طبق آن فرمودند فاصله به مقدار یک شبر بین زن و مرد لازم است و کافی هم هست.

## اشکال آقای سیستانی به روایت‌های تحدید به شبر

روایت اول ضعف سند دارد چون در سندش محمد بن علی بن ماجیلویه ذکر شده که توثیق ندارد

آقای سیستانی فرمودند: ما در این مطالب ایراد داریم:

اما روایت معاویة‌ بن وهب سندش ضعیف است. چون که صدوق در مشیخه من لایحضره الفقیه سندی که ذکر می‌‌کند به روایات معاویة بن وهب، در آن [سند] محمد بن علی ماجیلویه آمده و او توثیق ندارد.

بله، شیخ طوسی در فهرست در ترجمه معاویة‌ به وهب می‌‌گوید له کتاب اخبرنا به جماعة عن ابی جعفر بن بابویه ‌(شیخ صدوق) عن محمد بن الحسن (ابن الولید) عن الصفار عن احمد بن محمد بن عیسی عن علی بن الحکم عن معاویة بن وهب، ‌این سند صحیح است و در این سند شیخ صدوق هم واقع شده، ولی از کجا صدوق این روایت را در من لایحضره الفقیه از کتاب معاویة‌ بن وهب نقل کرده؟ او که التزام نداده که اگر بدأ سند کرد به یک راوی حتما از کتاب او حدیث را گرفته باشد. و لذا سند این روایت مشکل دارد.

## روایت ضعیفه دوم و روایت صحیحه سوم ضعف دلالت دارند چون ممکن است مراد تحدید ارتفاع حائل به مقدار شبر باشد نه تحدید فاصله به مقدار شبر

روایت دوم هم که سندا مشکل داشت دلالتا هم مشکل دارد. چون در روایت ابی بصیر که دارد الا ان یکون بینهما شبر أو ذراع روشن نیست که مراد این است که فاصله میان زن و مرد مقدار یک وجب باشد یا یک ساتری باشد مثل یک پرده‌ای باشد بین زن و مرد که آن ساتر ارتفاعش به مقدار یک شبر است. طبق این احتمال دوم این روایت ابی بصیر از موضوع بحث خارج می‌‌شود. مؤید این احتمال ذیل روایت ابی بصیر است که می‌‌گوید کان طول رحل رسول الله صلی الله علیه و آله ذراعا فکان یضعه بین یدیه اذا صلی لیستره ممن یمر بین یدیه. پیامبر اکرم رحلی داشتند که ارتفاعش به مقدار یک ذراع بود، اگر کسی رد می‌‌شد از جلوی حضرت، حضرت این رحل را می‌‌گذاشتند که فاصله بیندازد و حائل بشود بین او و بین آن شخص. خب این ربطی به بُعد بین دو نفر ندارد؛ این مربوط به حائل است.

و همین‌طور روایت سوم صحیحه زراره او هم محتمل است به همین معنای حائل باشد. اذا کان بینها و بینه قدر ما یتخطی او قدر عظم الذراع فصاعدا فلابأس، ‌ممکن است معنایش این باشد اگر بین این زن و مرد چیزی باشد که ارتفاعش به مقدار عظم ذراع است، به مقدار یک وجب است اشکال ندارد. مراد استعمالی از این کلام مجمل است؛ معلوم نیست که مقصود این است که فاصله بین زن و مرد این مقدار باشد. شاید مقصود این است که یک ساتری باشد بین زن و مرد به این مقدار، ‌ارتفاع آن ساتر این مقدار باشد که قدر عظم الذراع باشد که آقای خوئی معنا کردند به یک وجب.

و لذا آقای سیستانی فرمودند این روایات شبر قابل استناد در مقام نیست و ما اعتمادمان به موثقه عمار است که فاصله میان زن و مرد که مساوی هم نماز می‌‌خوانند یا زن جلوتر نماز می‌‌خوانند، ده ذراع (چهار متر و نیم بیشتر) بین این‌ها فاصله باشد. این محصل فرمایش آقای سیستانی.

## پاسخ از اشکال سندی به صحیحه معاویة بن وهب: شیخ صدوق از ماجیلویه اکثار همراه با ترضی کرده و این اماره بر حسن ظاهر است

به نظر ما اشکالی که ایشان به سند روایت معاویة بن وهب کردند قابل جواب است. چون که محمد بن علی ماجیلویه هرچند توثیق خاص ندارد اما از مشایخ صدوق بوده که صدوق در خیلی از طریق‌هایش به کتب اصحاب و روایات اصحاب او را ذکر می‌‌کند و از او زیاد روایت نقل می‌‌کند و در بسیاری از موارد هم می‌‌گوید رضی الله عنه؛ ‌این عرفا اماره این است که شیخ صدوق اعتماد می‌‌کند به محمد بن علی ماجیلویه و لااقل نزد او حسن ظاهر داشته و حسن ظاهر اماره عدالت است. و حسن ظاهر که اخص از وثاقت است؛ یعنی هم دروغ نمی‌گوید و هم گناهان دیگر نمی‌کند. پس به نظر ما روایت معاویة‌ بن وهب صحیحه است.

بله، اشکال به آقای خوئی وارد است چون ایشان هم محمد بن علی ماجیلویه را ثقه نمی‌دانست. و علی القاعدة این‌جا که تعبیر کرده صحیحه معاویة‌ به وهب به استناد کلام شیخ طوسی در فهرست بوده که راجع به معاویة‌ بن وهب فرموده له کتاب اخبرنا به جماعة عن ابن بابویه. که اشکال آقای سیستانی بر آن وارد است.

## پاسخ از اشکال دلالی به روایات شبر:‌ مستظهر عرفی این است که شبر، حد فاصله است نه حد ارتفاع حائل

مهم دلالت این روایت و همین‌طور صحیحه زراره است. این اشکال آقای سیستانی که شاید مراد فاصله به مقدار یک وجب بین زن و مرد نباشد [بلکه] مراد وجود حائل بین زن و مرد باشد که ارتفاع آن حائل به مقدار یک وجب است، این اشکال اگر در این دو روایت مطرح بشود و ما احتمال بدهیم که مراد از این دو روایت این باشد که یک حائلی باشد بین زن و مرد که ارتفاعش به مقدار یک شبر است دیگر نمی‌شود به این دو روایت استدلال کرد. ولی انصافا استظهار عرفی از این دو روایت فاصله به مقدار یک وجب است. اذا کان بینهما قدر شبر ظهور دارد در این‌که فاصله میان این دو به مقدار یک شبر است. اگر الان بگویند زن و مردی در کنار هم نماز می‌‌خوانند حکمش چیست؟ جایز است یا نه؟‌ شما در پاسخ بگویید اگر بین این دو مقدار یک وجب باشد نمازشان صحیح است، خب شما حرفی از ساتر نزدید، حرفی از حائل نزدید، راجع به ارتفاع حائل صحبت نکردید، انصافا ظهورش در همین رعایت فاصله به مقدار شبر است.

و لذا اقوی به نظر ما همین فرمایش آقای خوئی است که فاصله به مقدار یک وجب بین زن و مرد اگر بود این کافی است و نماز صحیح است ولی اگر کمتر از یک وجب فاصله بود به هم چسبیده بودند و لو محرم باشند زن و شوهر باشند نمازشان باطل خواهد بود.

## صاحب عروه: ملاک در فاصله بین مرد و زن نمازگزار،‌ نماز صحیح است

در ادامه صاحب عروه فرموده است: و المدار علی الصلاة‌ الصحیحة لولا المحاذاة او التقدم دون الفاسدة لفقد شرط او وجود مانع. معیار در این‌که نماز زن در کنار مرد بدون رعایت فاصله مکروه است یا مبطل نماز است، این است که نماز صحیح باشد با قطع نظر از این مشکل محاذات ولی اگر یک نمازی فی حد نفسه باطل بود، زنی آمد در کنار مرد نماز خواند ولی وضوئش ایراد داشت یا اصلا آن زن شیعیه نبود و ما معتقد بودیم که شرط صحت نماز ایمان است، این‌جا نماز این مرد باطل نمی‌شود.

## اشکال: اگر عرفا "نماز" صادق باشد، مشمول روایات خواهد بود. و این روایات هیچ انصرافی به نماز صحیح ندارند

مرحوم آقای خوئی و آقای سیستانی حاشیه زدند که فرق نمی‌کند، ‌عرفا اگر صدق بکند صلات بر آن، زنی نماز می‌‌خواند در کنار مرد بدون رعایت فاصله و لو این نماز زن فاسد باشد اما صدق صلات می‌‌کند، مشمول این روایات است که نهی کرد از نماز مرد در حالی که در کنار او زنی نماز می‌‌خواند. اسماء عبادات و معاملات وضع شده برای اعم از صحیح و فاسد.

برخی مثل مرحوم آقای داماد فرمودند درست است که اسماء‌ عبادات وضع شده برای اعم از صحیح و فاسد، ولی انصراف این روایات که مثلا لایصلی الرجل و بحذائه امرأة ‌تصلی، این است که بحذائه امرأة تصلی صلاة صحیحة فی حد ذاته.

انصافا این انصراف را ما نمی‌فهمیم. نکته این انصراف چیست برای ما واضح نیست. اگر عرفا صدق صلات بکند چه انصرافی دارد. فوقش انصراف داشته باشد از آن جایی که خود شخص قصد امتثال امر ندارد، برای تعلیم فرزندش دارد صورت نماز را اجراء می‌‌کند، ‌نماز می‌‌خواند به قصد تعلیم فرزندش، بگوییم این نماز خارج است از مورد این روایات، اگر زنی بیاید برای تعلیم دخترش کنار شوهرش بایستد و نماز بخواند فقط به قصد تعلیم دخترش قصد امتثال امر ندارد، بر فرض این روایات از این مورد منصرف باشد (که او هم روشن نیست) اما از جاهایی که قصد امتثال امر دارد این زن، منتها شرائط نماز را رعایت نکرده، ‌وضوئش ایراد دارد یا قرائتش ایراد دارد و او جاهل مقصر است، چرا اطلاق این روایات نگیرد که لایصلی الرجل و بحذائه امرأة تصلی.

و لذا به نظر ما هم معیار صلات صحیحه نیست، معیار صلات عرفیه است. اگر زنی نماز عرفی بخواند در کنار مرد بدون رعایت فاصله، موجب می‌‌شود که نماز آن مرد باطل بشود یا بر عکس مردی نماز بخواند و لو نماز باطل در کنار یک زنی، منشأ می‌‌شود که نماز آن زن باطل بشود.

بقیة الکلام ان‌شاءالله در جلسات آینده.

و الحمد لله رب العالمین.